

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«تفسیر آیات اعتقادی»

سنتهای الهی در قرآن

سنت آزمایش در قرآن کریم

جلسه اول

۱۴۰۰/۱۲/۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۱

در ارتباط با مباحث اعتقادی قرآن کریم مباحث مختلفی بحث شد. حالا به عنوان اینکه بحث تازه‌ای که شروع می‌کنیم مربوط به بحث آزمایش و امتحان است، این آیه خوانده شد. و در ارتباط با بحث دعا و لو به اختصار ولی مباحث مختلف مربوط به دعا به عرض تان رسید. و یک حدیث خاصی برخورد کردم که مربوط به بحث دعا است، این حدیث را عرض می‌کنم بعد ان شاء الله بحث که خواهیم داشت در مسئله آزمایش و امتحان که سنتی است از سنن الهی، سنتهای الهی در قرآن کریم.

حالا آن حدیثی که عرض شد به گونه خاصی بود و مناسب دیدم که در پایان بحث دعا عرض کرده باشم، این است که جمعی به حضرت صادق علیه السلام گفتند که آقا چه می‌شود که دعا می‌کنیم مستجاب نمی‌شود؟ جهت عدم اجابت دعا به علل مختلف در بحثهای گذشته گفته شد. ولی این تعبیری که اینجا شده در ارتباط با آنچه که گفتیم در حدیثی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی به این صورت صحبتی نشده بود. در کتاب شریف توحید صدوق باب انه عز و جل لا يعرف الا به که باب چهل و یکم باشد، حدیث این است که «قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ ع» جمعی به حضرت صادق علیه السلام عرض کردند چه می‌شود که دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ ع نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا قَالَ لِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ»^۲. این تعبیر در احادیث دیگری که خواندیم نبود. حضرت فرمودند که چون شما خدایی را می‌خوانید که نمی‌شناسید. خدا را می‌خوانید و خدا را نمی‌شناسید. یعنی آنچه که شما در ارتباط با خدا معتقد هستید، آن خدا نیست. این جور بعضی از شارحین معنی کرده‌اند. پس عبارت حدیث این است ببینید چه می‌شود معنی کرد که «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ ع» جمعی به حضرت صادق علیه السلام گفتند «نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا» معلوم است. «قَالَ لِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» می‌خوانید کسی را که نمی‌شناسید. این جور معنی کردند بعضی از بزرگان که یعنی آنچه که شما می‌خوانید، آن خدا نیست. و لذا است اجابتی در

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۲.

۲ - التوحید (الصدوق) ص ۲۸۹ باب انه عز و جل لا يعرف إلا به.

کار نیست. چرا؟ چون این قوم مخصوصی بودند. «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ ع» اینکه حضرت فرمودند دعای شما مستجاب نمی شود در پاسخ سؤالشان به خاطر اینکه می خوانید کسی را که نمی شناسید. معنای آن این می شود که یعنی اینها مجسمه بودند، مشبهه بودند. جمعی بودند که خدا را تشبیه می کردند به چیزی. برای خدا خصوصیت خلق را قائل بودند. منحرف بودند، مشبهه بودند، مجسمه بودند. و لذا به اینها چنین فرمودند که آنچه که شما می خوانید، آن خدا نیست. و لذا است که اجابتی هم در کار نیست. پس در ارتباط با جمع مخصوصی ابتدای حدیث هم این است که «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ ع» این «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ ع» هم شاهد بر این است که این توجیه توجیه بدی نیست. «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ ع» نه اینکه به طور کلی بگویند که کسانی را که خدا را می شناسند و خدا را می خوانند نمی شناسند؛ یعنی عموم مردم که خدا را می شناسند خیر؛ عموماً همانی که در فطرتشان است همان خدا است و مشکلی ندارند. جمع مخصوصی بودند که این جمع مخصوص مشبهه بودند، مجسمه بودند. در نتیجه این جور به ایشان گفته شد. بنابراین این مسئله دعا هم به صورتی که گفته شد، تمام می شود.

حالا بحثی که ان شاء الله شروع خواهیم کرد و ان شاء الله مبسوط صحبت آن را بکنیم مناسب است، سنت های الهیه است در قرآن کریم. یعنی برنامه هایی که خداوند متعال در ارتباط با خلقش دارد. و برنامه هایی است که در اقوام مختلف، در ملل مختلف، در گروه های مختلف این برنامه ها تداوم دارد. این برنامه ها اجرا شده و اجرا می شود. به چنین چیزهایی گفته می شود سنت های الهی. از قبیل سنت امتحان که فعلاً می خواهیم صحبت آن را بکنیم. سنت مهلت که ان شاء الله صحبت آن را خواهیم کرد. سنن الهی در ارتباط با خلق این سنن الهی متعدد است.

بیان چند آیه به عنوان نمونه

یکی از آن سنن الهی سنت آزمایش و امتحان است. در قرآن کریم آیات مربوط به این سنت هم در لغت بلاء، بلیه و هم در لغت فتنه می توان که این آیات را دید که فراوان هم هست. به بعضی از آنها اشاره می شود و به عرض تان خواهد رسید. مثلاً در قرآن کریم به این صورت با این لغتی که حالا عرض می کنیم، متعدد آمده است. «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ» آزمایش می کنیم مردم را به حسنات و سیئات. که باز ان شاء الله آیات آن را که می خوانیم بعد از آن یک مقدار جا دارد که بحث شود که یعنی چه، به چه کیفیت. سوره مبارکه اعراف آیه صد و شصت و هشت.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾^۱ امتحان تان می کنیم تا بدانیم مجاهدین و صابریں بین شما چه کسانی هستند. پس باز بحث آزمایش است. اینها همه اش جای صحبت دارد. آیات را ان شاء الله برمی گردیم یکی یکی صحبت آن را می کنیم که خصوصیات که مناسب به نظر می رسد، صحبت شود. آیه سوم: ﴿وَنَبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾^۲ نبلوكم آزمایش تان می کنیم به شر و به خیر. باز شر چی هست، خیر چی هست، اینها هم یک مقداری جای صحبت دارد. ﴿وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾. سوره مبارکه انبیاء آیه سی و پنج.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۳ سوره مبارکه بقره آیه صد و پنجاه و پنج.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ خدا اگر می خواست، همه شما را یکسان قرار می داد. این جور نبود که اختلافی بین افراد باشد در خصوصیات مختلف زندگی شان، جهات مالی شان، جهات جسمی شان.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾^۴ مختلف تان قرار داد، فقیر و غنی و جهات مختلف دیگر چرا؟ ﴿لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾ تا ببازماید شما را در ارتباط با آنچه که به شما داده است. سوره مبارکه مائده آیه چهل و هشت.

﴿وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾^۵ از مضمون آیه قبلی است. ولی هر کدام از این آیه ها جا دارد یک مقداری مورد صحبت بشود که ان شاء الله صحبت خواهد شد. سوره انعام آیه صد و شصت و پنج.

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^۶ خلق الموت و الحیات اصلا مرگ و زندگی را آفریده است به خاطر آزمایش شما. ﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾.

﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^۷ باز ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ این چه تناسب دارد با لیلو لکم ان شاء الله باید صحبت شود.

۱ - سوره محمد، آیه ۳۱.

۲ - سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۳ - سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۴ - سوره مائده، آیه ۴۸.

۵ - سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۶ - سوره ملک، آیه ۲.

۷ - سوره هود، آیه ۷.

﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۱ سوره عنكبوت آیه دو.
 ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا آمَاكُمُ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾^۲ سوره انفال آیه بیست و هشت. و آیات دیگری که هست.

آیه دوم سوره عنكبوت

حالا آیه عنکبوتی که خواندم یک حدیث لطیفی در ضمن آن هست عرض کنم، بعد ان شاء الله آیه‌هایی که یک مقدار مشکل دارد از نظر بحثی در جلسات بعد جمع آوری می‌شود و همه آن ان شاء الله در یک جلسه‌ای صحبت خواهد شد. راجع به آیه دو سوره مبارکه عنکبوت ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ عرض کردیم با دو ماده در قرآن کریم مسئله آزمایش مطرح است. ماده ابتلاء و همچنین ماده فتنه. ممکن است با صورت دیگری هم گفته شده باشد، بیشتر این دو تا است. حالا در مورد این آیه ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ مردم فکر کردند همین که گفتند ما ایمان آوردیم ما رهای‌شان می‌کنیم، امتحان‌شان نمی‌کنیم، چرا باید امتحان بشوند تا این که معلوم شود که افراد در چه وضعی هستند. لا یفتنون؟ امتحان نمی‌شوند؟ چرا باید امتحان بشوند تا این که معلوم شود که افراد در چه وضعی هستند. البته اشکالاتی در جهت این که امتحان برای چیست، باید صحبت آن بشود.

آقا حضرت امیر علیه السلام وارد شدند مسجد، سحرگاهی بود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تشریف داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیر علیه السلام فرمودند که الی الی الی پیش من بیا. حضرت امیر علیه السلام رفتند طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. پیامبر اکرم فرمودند من از سر شب اینجا بودم. امشب آمدم مسجد و هزار تا خواسته از خدا خواستم. خواستم خواستم همه اش امضاء شد که باشد. از خدا خواستم که خدایا علی بن ابی طالب که شایسته خلافت او است، و او باید بعد از من خلیفه باشد، و تو هم تعیین کردی، من هم به خلق ابلاغ کردم، و معلوم است که شایسته او است که انتخاب کردی، کاری بکن که غیر عادی دشمنان او برطرف شوند. سخته کنند، مریض شوند، بمیرند، توطئه‌های آنها عملی نشود. کاری بکن که قطعا علی بن ابی طالب قدرت را به دست بگیرد و جای من باشد. هر چه اصرار کردم خداوند فرمود این کار را نمی‌کنم. چه اینکه باید امتحان شوند. و این یک عامل امتحان مهمی است برای امت من. هر چه گفتم به تعبیر من علی جان که یک کاری بشود، بالاخره حق به حق دار برسد بالا عجاز، قرار بر این نشد. بلکه قرار بود که مطلب ابلاغ شود، مردم امتحان می‌شوند؛ هر که قبول کرد در مسیر حق سعادت‌مند، و هر که قبول نکرد در مسیر

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۲.

۲ - سوره انفال، آیه ۲۸.

شقاوت و بیچاره است. بعد این آیه را تلاوت کردند ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾.

حالا ان شاء الله بعضی از این آیات هست که جای بحثها و ان قلتها دارد؛ خود آیات صحبت می شود، بعد اشکالاتی که اساسا در بحث آزمایش است به عرض تان می رسد پاسخ آن ان شاء الله. و سنت هایی که در قرآن کریم است ان شاء الله بحث خواهد شد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ